

Cultural Evaluation of *Let's Learn Persian* and *Top Notch* Series as a Foreign Language: Based on Hatoss' Comprehensive Model

Gholamhossein Shahini*

Mojtaba Nazari**

Abstract

Given the role culture plays in second/foreign language learning, paying attention to cultural content in language teaching textbooks is of great importance. In the current study, using qualitative content analysis, the way cultural issues are presented in the first three volumes of the two series of *Let's Learn Persian* and *Top Notch* was evaluated based on 20 questions in Hatoss' cultural model. The findings indicate that "*Top Notch*" series showed a better performance than "*Let's Learn Persian*" series in reflecting cultural pluralism, cultural dynamicity, up-to-date cultural norms, explicit and direct teaching of cultural norms, and inviting L2 learners to ponder over cultural norms. Moreover, issues like pragmatic competence, non-linguistic inputs, semiotics, and deep and surface culture were similarly treated in the two series. Besides, abstract cultural issues were not dealt with in the two series and the prevalent teaching method was cognitive than experiential. And finally, given the introduction of different cultures, intercultural communications are mirrored more in *Top Notch* than *Let's Learn Persian*.

Keywords: Evaluating Second/Foreign Language Teaching Textbooks, Hatoss' Model, *Let's Learn Persian*, Teaching Persian to Non-Persian Speakers, *Top Notch*.

* Assistant Professor of TEFL, Shiraz University, Shiraz, Iran , (Corresponding Author),
ghshahini@rose.shirazu.ac.ir

** Master's Graduate of Teaching Persian to Non-Persian Speakers, Shiraz University, Shiraz, Iran,
mojtaba.nzr69@gmail.com

Date received: 27-10-2022, Date of acceptance: 12-02-2023



ارزیابی فرهنگی یک مجموعه کتاب فارسی بیاموزیم و یک مجموعه کتاب تاپ ناچ (Top Notch) به عنوان زبان خارجی: براساس الگوی جامع هاتس

غلامحسین شاهینی*

مجتبی نظری**

چکیده

باتوجه به نقش فرهنگ در آموزش زبان دوم/خارجی، پرداختن به محتوای فرهنگی کتاب‌های آموزش زبان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این پژوهش، با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، چگونگی نمود موضوعات فرهنگی در دو مجموعه فارسی بیاموزیم و تاپ ناچ (Top Notch) براساس الگو و فهرستگان بیست پرسشی فرهنگی هاتس (Hatoss 2004) که دربردارنده طیف گسترده‌ای از موضوعات فرهنگی است بررسی شد. نتایج نشان می‌دهد که مجموعه تاپ ناچ در معرفی موارد مرتبط با تکثرگرایی فرهنگی، ارائه فرهنگ به صورت پویا، به‌روزرودن فرهنگ زبان مقصد، آموزش صریح و مستقیم مسائل فرهنگی، و دعوت زبان‌آموزان به اندیشیدن در مسائل فرهنگی بهتر از مجموعه فارسی بیاموزیم عمل کرده است. به‌علاوه، دو مجموعه در پرداختن به توانش کاربردی و ارتباطات غیرکلامی، نمادشناسی، فرهنگ ظاهری و ژرف، و نپرداختن به مسائل انتزاعی عملکرد مطلوبی داشته‌اند، اما در بحث آموزش مسائل فرهنگی به صورت تجربی عملکرد ضعیفی از خود نشان داده‌اند. درمقابل، در مقایسه با مجموعه تاپ ناچ، مجموعه فارسی بیاموزیم توجه مناسبی به معرفی فرهنگ کلان داشته است. و درنهایت این که در حوزه ارتباطات بینافرهنگی

* استادیار آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)، gshahini@rose.shirazu.ac.ir

** کارشناسی ارشد رشته آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

mojtaba.nzr69@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۳



مجموعه تاپ ناچ، با توجه به معرفی فرهنگ‌های مختلف، از مجموعه فارسی بیاموزیم موفق‌تر عمل کرده است.

کلیدواژه‌ها: آزا، تاپ ناچ، تحلیل محتوا، فارسی بیاموزیم، فرهنگ.

۱. مقدمه

درباره فرهنگ تعریف‌های گوناگونی وجود دارد و بسیاری از آن‌ها به لحاظ مضمون با یکدیگر هم‌سویند. براساس نظر بسیاری از پژوهش‌گران، فرهنگ مجموعه‌ای از رفتارها، الگوها، باورها، آداب، منش‌ها، و هنجارهای اعضای یک جامعه است که از طریق یادگیری از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد (Richards et al. 1992; Liddicoat et al. 2003). هورن و تومالین (Hurn and Tomalin 2003) معتقدند که در اغلب موارد آنچه را مردم فرهنگ یک جامعه قلمداد می‌کنند درحقیقت لایه سطحی یک فرهنگ خاص است که شامل زبان، غذا، معماری، سبک لباس پوشیدن، و امثال آن است و لایه زیرین این پوسته شامل مواردی از قبیل ارزش‌ها، عقاید، باورها، جهان‌بینی‌ها، و نظایر آن است که بر ما مخفی و پوشیده است. نظر براون (Brown 1994) بر این است که به‌منظور آموزش زبان خارجی مجموعه پیچیده‌ای از رسوم فرهنگی، ارزش‌ها، راه و روش، نوع تفکر، احساس، و رفتارهای مربوط به فرهنگ آن زبان را نیز باید آموزش داد. طبق گفته پترسون و کلتران (Peterson and Coltrane 2003) فراگیری و تسلط کامل بر یک زبان بدون آشنایی با بافت فرهنگی حاکم بر آن زبان امکان‌پذیر نیست. طبق گفته لاند (Lunda 2006)، یادگیری زبان خارجی متشکل از توانش دستوری، ارتباطی، و توانش فرهنگی است و معرفی فرهنگ مقصد باید یکی از اساسی‌ترین بخش‌های آموزش زبان خارجی باشد و نقش پررنگ‌تری در کلاس‌های زبان ایفا کند.

مهم‌ترین ابزار در کلاس‌های آموزش زبان خارجی که نقش به‌سزایی در زمینه معرفی و بازتاب فرهنگ و بالابردن سطح فراگیری فرهنگ زبان‌آموزان دارد کتاب‌های درسی هستند (Hermawan and Noerkhasanah 2012)، اما همان‌طور که مرگان (Morgan 1995) بیان می‌کند، در این کتاب‌ها به‌طور اصولی به رفتارهای فرهنگی پرداخته نشده است و نویسندگان این کتاب‌ها، که مسئول پرداختن به موضوع فرهنگ‌اند، باید محتوای کتاب‌ها را به‌گونه‌ای تهیه کنند که زمینه نزدیکی فرهنگ‌ها فراهم آید و دو فرهنگ زبان مبدأ و مقصد در یک‌دیگر اثر منفی نداشته باشند.

۲. هدف پژوهش

باتوجه به اهمیت فرهنگ و ارتباط تنگاتنگ آن با زبان و نقش مهم کتاب در آموزش فرهنگ، این پژوهش بر آن است که نمود فرهنگ، میزان، و چگونگی پرداختن به آن را از ابعاد گوناگون در یک مجموعه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان (آزفا) و یک مجموعه آموزش زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی مورد بررسی قرار دهد. توضیح بیش‌تر این‌که پژوهش حاضر با استفاده از الگوی فرهنگی هاتس (Hatoss 2004) به بررسی فرهنگ از جنبه‌های وسیع و گوناگون می‌پردازد. در این مطالعه، براساس نکات و جنبه‌های معرفی شده در این الگو، علاوه بر تحلیل محتوای نوشتاری کتاب‌های مورد نظر، تصویرها و فایل ویدئویی مربوط به آن‌ها نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر این اساس، پرسش‌های پژوهش حاضر به شرح زیر است:

۱. آیا به موضوعات فرهنگی مطرح شده در الگوی هاتس در دو مجموعه کتاب‌های آزفا و آموزش زبان انگلیسی توجه شده است؟ در صورتی که پاسخ به این پرسش مثبت باشد، به هر مورد تا چه میزان پرداخته شده است؟
۲. در کتاب‌های مورد نظر، هر کدام از موارد ارائه شده در الگوی هاتس چگونه معرفی شده‌اند؟

۳. پیشینه پژوهش

در زمینه ارزیابی مسائل فرهنگی در کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی و آزفا مطالعات بسیاری به شیوه تحلیل محتوا انجام گرفته است. در بررسی کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی شاتناوی (Shatnawi 2009) در کتاب میشن (Mission)، شیائو (Xiao 2010) در کتاب لیسینینگ (Listening 3)، زارعی و خالصی (Zarei and Khalessi 2011) در مجموعه ایتسرچنج (Interchange)، بحرینی (۱۳۹۲) در مجموعه ایمپکت بک سریز (Impact Book Series)، و دویک و السید (Dweik and Al-Sayyed 2015) در کتاب اکشن پک ۱۲ (Action Pack 12) وجوه فرهنگی مختلف را در این کتاب‌ها معرفی کرده‌اند و نتایج حاکی از آن است که محتوای فرهنگی مرتبط با فرهنگ مقصد، یعنی بریتانیا و ایالات متحده، بوده است و در مقابل فرهنگ مبدأ و فرهنگ بین‌المللی درصد بسیار پایینی را به خود اختصاص داده‌اند. عبدالله‌زاده و بنی‌اسد (Abdollahzadeh and Baniasad 2010) در تحلیل محتوای کتاب‌های تروتولایف و اسپکتروم (True to Life and Spectrum) به این نتیجه دست یافتند که این کتاب‌ها مملو از کلیشه‌های فرهنگ غرب‌اند که مهم‌ترین آن‌ها مصرف‌گرایی و جنسیت‌گرایی است. نتایج این مطالعات

در جهت نتایج مطالعه بهار و گلستانه (۱۳۹۲) است. این پژوهش‌گران براساس نظریه کنش (practice theory) و نظریه میدان (field theory) بوردیو (Bourdieu 1984) از طریق تحلیل محتوای کتاب انگلیش تایم (English Time) به این نتیجه رسیدند که عناصر فرهنگی کشورهای چون آمریکا و انگلیس از طریق کتاب‌های آموزش زبان آن‌ها به زبان‌آموزان سایر کشورها منتقل می‌گردد. هم‌چنین، در بررسی مجموعه آموزش زبان انگلیسی توتال انگلیش (Total English)، که توسط بهرامی (Bahrami 2015) انجام گرفته است، نتایج گویای آن است که این مجموعه در ترویج فرهنگ و ارزش‌های غرب جهت‌دار عمل کرده است و عناصر فرهنگی معرفی شده اغلب در تضاد با فرهنگ ایرانی است. در زمینه توانش بینافرهنگی (intercultural)، احمدی صفا و دیگران (Ahmadi Safa 2015) مجموعه تاپ ناچ را از دیدگاه فراگیران و معلمان موردتحلیل قرار دادند و نتایج گویای آن بود که این مجموعه دارای آگاهی فرهنگی و مهارت‌های بینافرهنگی است. هم‌چنین، در ارتباط با تحلیل محتوای کتاب‌های امریکن انگلیش فایل (American English File)، تاپ ناچ (Top Notch)، پسیج (Passage)، و اکتیو اسکیلز (Active Skills) که توسط عالی و دیگران (۱۳۹۵) انجام گرفت پژوهش‌گران دریافتند که نویسندگان در این کتاب‌ها به‌طور پنهان سعی در نشر و غلبه فرهنگی کشورهای انگلیسی‌زبان بر سایر کشورها و فرهنگ‌ها دارند. در همین جهت، درخشان (۱۳۹۷) نیز با استفاده از روش تحلیل محتوا به این نتیجه رسید که کتاب امریکن انگلیش فایل (American English File) مملو از ارزش‌های فرهنگ غرب است و کتاب تحت تأثیر پیش‌فرض‌های فرهنگ غرب نظیر مصرف‌گرایی، روابط دختر و پسر، و القای ارزش‌های فرهنگ غرب قرار دارد.

در بررسی روش معرفی فرهنگ در کتاب‌های انگلیسی در مقاطع مختلف آموزش و پرورش در ایران، احمدی صفا و فراهانی (۱۳۹۴)، رضایی و لطیفی (۱۳۹۴)، غیاثیان و دیگران (۱۳۹۵)، رضائی و لطیفی (۲۰۱۵)، رشیدی و میهمی (Rashidi and Meihami 2016)، و طاهرخانی و متقی (۱۴۰۰) به این نتیجه دست یافتند که این کتاب‌ها به‌صورت کلی بر فرهنگ بومی ایران متمرکزند و نمونه‌هایی از فرهنگ جهانی و عناصر بینافرهنگی در آن‌ها مشاهده نمی‌شود. هم‌چنین، مقصودی (Maghsoudi 2020) در یک مطالعه تطبیقی و با استفاده از روش تحلیل محتوا به توانش ارتباطی بینافرهنگی در کتاب‌های زبان انگلیسی پراسپکت و ویژن (Prospect and Vision) در دبیرستان‌های ایران و استاندارد انگلیش (Standard English) در دبیرستان‌های هندوستان پرداخته و نتایج حاکی از آن است که نویسندگان کتاب استاندارد انگلیش به آگاهی انتقادی فرهنگی توجه کرده‌اند، اما در کتاب پراسپکت و ویژن به این موضوع چندان پرداخته نشده است.

در زمینه آموزش فرهنگ در کتاب‌های آزفا، امیری (۱۳۹۷) به بررسی مؤلفه فرهنگ اسلامی و زیرمؤلفه‌های آن در سه مجموعه کتاب آموزش زبان فارسی، آموزش نوین زبان فارسی، و فارسی بیاموزیم پرداخته است و به این نتیجه رسیده است که در مقایسه با دو مجموعه دیگر زیرمؤلفه‌های فرهنگ اسلامی در کتاب فارسی بیاموزیم دارای بیش‌ترین فراوانی است و این زیرمؤلفه‌ها با روشی مناسب‌تر در این کتاب معرفی گردیده‌اند. موسوی (۱۳۹۷) نیز با استفاده از چهارچوب لی (Lee 2009) عناصر فرهنگی دو مجموعه کتاب فارسی بیاموزیم و آموزش نوین زبان فارسی را مشخص کرده است و به این نتیجه رسیده است که مجموعه فارسی بیاموزیم حاوی مؤلفه‌های فرهنگی کلان بیش‌تر است. هم‌چنین، موسوی حسن‌آبادی (۱۳۹۷) چگونگی نمایش عناصر فرهنگی را در متن‌های خواندنی مجموعه کتاب‌های فارسی بیاموزیم و آموزش نوین زبان فارسی را براساس چهارچوب لی (Lee 2009) باهم مقایسه کرده است و به این نتیجه دست یافته است که میزان به‌کارگیری مؤلفه‌های فرهنگی در مجموعه فارسی بیاموزیم در مقایسه با آموزش نوین زبان فارسی بیش‌تر است، اما به‌طور کلی در این دو مجموعه مؤلفه‌های فرهنگی کلان به‌صورت محدود و کلیشه‌ای مطرح شده است. در ارتباط با بررسی مؤلفه‌های فرهنگی در تصاویر کتاب‌های آزفا، ده‌بزرگی (۱۴۰۰) دو مجموعه کتاب آموزش زبان فارسی و مینا را موردتحلیل کمی قرار داده و نتیجه حاکی از آن است که مجموعه مینا به‌لحاظ فراوانی و میزان انتقال مؤلفه‌های فرهنگی کلان موفق‌تر از مجموعه آموزش زبان فارسی عمل کرده است و بین دو مجموعه کتاب از نظر بازنمایی مؤلفه‌های کلان تفاوت آماری معناداری وجود دارد.

درمورد مقایسه بازتاب مسائل فرهنگی در کتاب‌های آزفا و کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی با عنوان دوره‌ای در فارسی عمومی و تاپ ناچ (Top Notch)، شاهینی و میمندی (Shahini and Meymandi 2017) به بررسی مؤلفه‌ها و ریزمؤلفه‌های فرهنگی پرداخته‌اند و با استفاده از فهرستگان مؤلفه‌های فرهنگی کلان و خرد ارائه‌شده توسط لی (Lee 2009) به این نتیجه رسیده‌اند که کتاب دوره‌ای در فارسی عمومی مؤلفه‌های فرهنگی کلان را بهتر از مجموعه تاپ ناچ ارائه کرده است.

چنان‌چه ملاحظه می‌شود، در مطالعات صورت‌گرفته اغلب به بررسی مؤلفه‌های فرهنگی پرداخته شده است و طیف گسترده‌ای از موضوعات فرهنگی از ابعاد مختلف موردتحلیل قرار نگرفته‌اند. هم‌چنین، مطالعات بسیار محدودی به مقایسه مسائل فرهنگی بین یک مجموعه آزفا و یک مجموعه آموزش زبان انگلیسی پرداخته‌اند، اما مطالعه حاضر با استفاده از الگوی هاتس به‌عنوان الگوی جامع، که ابعاد گسترده‌ای از فرهنگ را موردتوجه قرار داده است، به جنبه بسیار

کلی‌تر فرهنگ در ارزیابی یک مجموعه آزا و یک مجموعه آموزش زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی می‌پردازد که در قسمت ابزار پژوهش به معرفی این الگو خواهیم پرداخت.

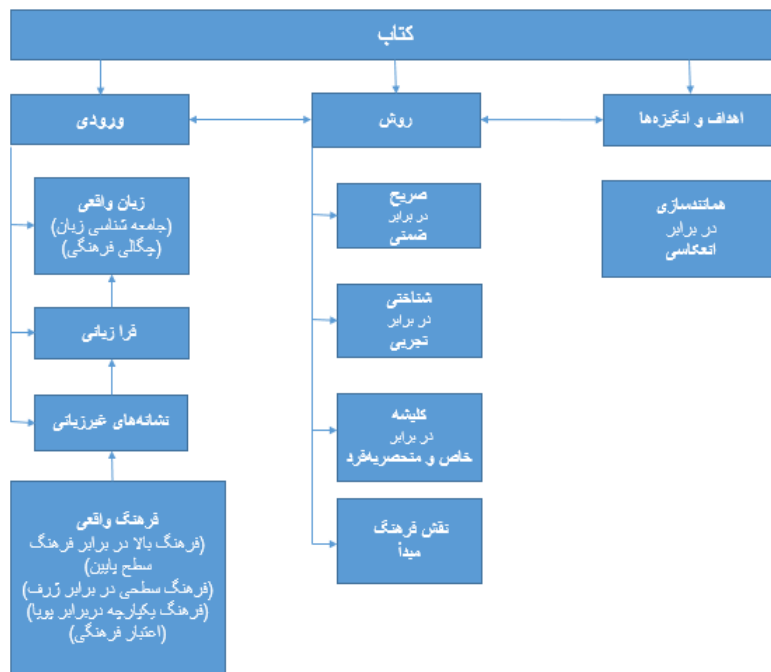
۴. روش پژوهش

۱.۴ مواد پژوهش

برای انجام این پژوهش که به‌شیوه تحلیل محتوای کمی و کیفی (quantitative and qualitative content analysis) و تحلیل سند (documentary analysis) انجام شد، دو مجموعه فارسی بیاموزیم و تاپ ناچ به‌عنوان یکی از شناخته‌شده‌ترین و پرکاربردترین مجموعه‌های آزا و آموزش زبان انگلیسی انتخاب شدند. در انتخاب کتاب‌ها مجموعه‌هایی موردنظر بودند که دارای سطح‌بندی (مبتدی، میانی، و پیشرفته) باشند و به همین دلیل کتاب‌هایی که به‌صورت تک‌جلدی و یا با سطح‌بندی‌های دیگر بودند موردتوجه قرار نگرفتند. در پژوهش حاضر، آخرین ویرایش این دو مجموعه انتخاب شده است. مجموعه پنج‌جلدی فارسی بیاموزیم توسط حسن ذوالفقاری، مهبد غفاری، و بهروز محمودی بختیاری تألیف شده است و در سال ۱۳۸۱ توسط انتشارات مدرسه به‌چاپ رسیده است. مجموعه شش‌جلدی تاپ ناچ در سال ۲۰۰۲ توسط جان ساسلو و آلن‌آشر (John Saslow and Allen Ascher) تألیف شده و در سال ۲۰۱۶ سومین و آخرین ویرایش آن توسط انتشارات پیرسن (Pearson) به‌چاپ رسیده است. برای انجام این پژوهش، تنها جلدهای یک، دو، و سه هر مجموعه مورد استفاده قرار گرفته است. دلیل این انتخاب محتوای جلدهای چهار و پنج مجموعه فارسی بیاموزیم بود که کاملاً به ادبیات فارسی اختصاص پیدا کرده است.

۲.۴ ابزار پژوهش

ابزار جمع‌آوری داده‌ها در مطالعه حاضر الگوی بیست‌پرسشی فرهنگی هاتس (Hatoss 2004) است. الگوی هاتس طیف وسیعی از مسائل فرهنگی را پوشش می‌دهد و از منظری جامع به فرهنگ و موضوعات مرتبط به آن می‌نگرد. این الگو دارای سه سطح اصلی است: ۱. ورودی (input): متن‌های نوشتاری و تصاویر؛ ۲. روش (method): اصول و روشی که به‌منظور آموزش مفاهیم بین‌فرهنگی اتخاذ شده است؛ ۳. اهداف (goals): اهدافی که کتاب برای آموزش فرهنگ و افزایش مهارت‌های بین‌فرهنگی تنظیم شده‌اند (بنگرید به شکل ۱).



شکل ۱. الگوی ارزیابی فرهنگی در کتاب‌های آموزش زبان (Hatoss 2004)

باتوجه به این الگو ملاحظه می‌شود که ابعاد اصلی دارای رابطه دوسویه هستند که این رابطه نشان‌دهنده ارتباط و اثرگذاری متقابل آن‌ها بر یکدیگر است. بعد نخست بعد ورودی (input) است و منظور این است که آیا زبان واقعی (زبان مورد استفاده سخن‌گویان بومی در مکالمات روزمره) با عناصر فرازبانی (آهنگ، سرعت، زیر و بمی، و بلندی صدا) و نشانه‌های غیرزبانی (زبان بدن و حرکات دست و صورت) و با فرهنگ رایج و روزمره توسط نویسنده در کتاب ارائه شده است؟ این بُعد در بعد دوم، یعنی روش آموزش و انتقال مطالب، تأثیر گذاشته و مدرس براساس محتوا روش آموزش را برمی‌گزیند. بعد سوم اهداف و انگیزه به این معناست که آیا زبان آموز به عنوان یک خارجی زبان در جامعه مقصد فرهنگ زبان خارجی را بدون هیچ‌گونه تأمل مورد استفاده قرار می‌دهد (هماندسازی) یا این که پیش از استفاده و ارائه به تفکر، پرسش‌گری، و حتی انتقاد از آن می‌پردازد. هاتس نکات مطرح شده در این الگو و ارتباط آن‌ها با یکدیگر را به طور واضح در فهرستگان بیست‌پرسی به منظور ارزیابی مسائل فرهنگی در کتاب‌های آموزش زبان دوم/ خارجی مطرح می‌کند (برای دسترسی به نسخه انگلیسی شکل ۱ و فهرستگان بیست‌پرسی هاتس به پیوست رجوع شود).

۳.۴ روند گردآوری داده‌ها

این الگو ابتدا از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه شد و سپس، به منظور اعتبارسنجی (authenticity)، ترجمه توسط دو مترجم حرفه‌ای بررسی شد و ویرایش‌های لازم بر ترجمه اعمال گردید. سپس، ترجمه فارسی توسط یک مترجم ترجمه معکوس (back translation) شد و در نتیجه نکات لازم منظور گردید. با توجه به پرسش نخست پژوهش، معنا و مفهوم دقیق پرسش‌های مطرح شده در الگو به کمک دو فرد متخصص از بخش جامعه‌شناسی مشخص شد و سپس تمام محتوای دو مجموعه آموزشی که شامل درک مطلب، گفت‌وگو، تمرین، و تصاویر بود، براساس پرسش‌های الگو تحلیل شد (گفتنی است که، برخلاف مجموعه تاپ ناچ، مجموعه فارسی بیاموزیم فاقد فایل ویدئویی بود). به منظور بررسی فایل ویدئویی مجموعه تاپ ناچ، از یک مدرس مجرب درخواست شد که به تحلیل نخستین پرسش مطرح شده در الگو در این فایل بپردازد. در پاسخ به پرسش دوم پژوهش، چگونگی ارائه مطالب مطرح شده در دو مجموعه همراه با توضیحات و نمونه پیرامون هرکدام مشخص گردید.

۴.۴ روند تحلیل داده‌ها

به منظور تحلیل محتوای داده‌ها، بسامد مربوط به هرکدام از پرسش‌ها و موضوعات مطرح شده در آن‌ها شمارش و ثبت شد و در نهایت نتایج به صورت توصیفی ارائه گردید. به منظور قابل اعتماد بودن (dependability) تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، یکی از پژوهش‌گران ابتدا داده‌ها را کدگذاری (coding) کرد و پس از مدتی مجدداً به کدگذاری همان داده‌ها اقدام کرد. سپس، قسمتی از داده‌ها به صورت تصادفی (random) انتخاب و توسط پژوهش‌گر دیگر تحلیل و مجدداً کدگذاری شد و اختلاف‌های موجود بین دو فرد کدگذار از طریق بحث و گفت‌وگو حل شد. در نهایت، ضریب بیناشخصی (intra-coding index) ۹۰ درصد و ضریب بینابین (inter-coding index) ۸۳ درصد برای کدگذاری داده‌ها محاسبه گردید. هم‌چنین، به منظور بالابردن اعتبار (credibility) مطالعه، داده‌ها از طریق اجماع (consensus) و با استفاده از بررسی هم‌تراز (peer debriefing) یا داوری همکار (peer review) توسط دو متخصص از بخش جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت و نکات مطرح شده توسط ایشان لحاظ گردید. جهت تحلیل سند، تصاویری از کتاب‌ها که مرتبط با موضوعات مورد بحث بود توسط یکی از پژوهش‌گران مورد بررسی قرار گرفت و توضیحات مربوط به آن‌ها ارائه گردید. سپس، کلیه موضوعات تحلیل شده در تصاویر توسط پژوهش‌گر دیگر مورد بازخوانی قرار گرفت. در این

مرحله نیز، به‌منظور بالابردن اعتبار تحلیل، تصاویر مجدداً از طریق اجماع و با استفاده از بررسی هم‌تراز توسط پژوهش‌گر دوم و متخصصان حوزه جامعه‌شناسی اعتبارسنجی شد.

۵. نتیجه و بحث

در ارتباط با پرسش اول پژوهش، در مجموعه فارسی بیاموزیم موضوعات مربوط به پرسش‌های ۱، ۱۱، ۱۵، و ۱۶ در هیچ‌کدام از جلدها وجود نداشت. پرسش‌های ۲، ۶، و ۱۲ در جلد نخست این مجموعه مشاهده نشد. به پرسش ۹ و ۱۷ در جلد یک و دو، پرسش ۱۰ در جلد سه، و پرسش ۲۰ در جلد‌های یک و سه نیز پرداخته نشد. بیش‌ترین بسامد در مجموع سه جلد به‌ترتیب مربوط به پرسش‌های ۲، ۶، ۳، و ۴ بود. کم‌ترین مجموع بسامد نیز مربوط به پرسش‌های ۱۷، ۱۸، و ۹ بود. در مجموعه تاپ ناچ، موضوع مرتبط با پرسش ۱۵ و ۱۷ در هیچ‌کدام از جلدها وجود نداشت. موضوع مرتبط با پرسش ۹ و ۱۸ در جلد یک و پرسش ۱۶ در جلد یک و سه مشاهده نشد. بیش‌ترین بسامدها به‌ترتیب مربوط به پرسش‌های ۲، ۱، و ۷ بود و کم‌ترین بسامد نیز در پرسش‌های ۹، ۱۶، و ۱۸ ملاحظه گردید. بررسی این پرسش باید براساس یک پژوهش میدانی و با استفاده از ابزاری مانند پرسش‌نامه، مصاحبه، یا مشاهده صورت پذیرد.

در ارتباط با پرسش دوم پژوهش، چگونگی و نحوه ارائه محتوای فرهنگی با ذکر نمونه‌هایی از دو مجموعه فارسی بیاموزیم و تاپ ناچ براساس الگوی هاتس موردبررسی قرار گرفت. بدین ترتیب، در پاسخ به نخستین پرسش الگوی هاتس، که آیا داده‌های زبانی گونه‌های مربوط به گویش‌های اجتماعی و لهجه‌های خارجی را موردتوجه قرار داده است، باید گفت از آن‌جاکه مجموعه فارسی بیاموزیم فاقد فایل ویدئویی بود، بسامدی در این باره ارائه نشده است، اما در بررسی فایل ویدئویی مجموعه تاپ ناچ چهار لهجه اصلی انگلیسی - بریتانیایی، انگلیسی - آمریکایی، انگلیسی - کانادایی، و انگلیسی - استرالیایی به‌دفعات ملاحظه شد. در این مجموعه، نمونه‌هایی از لهجه‌های زبان انگلیسی هم‌چون انگلیسی هندی، انگلیسی - ژاپنی، انگلیسی - عربی، انگلیسی - روسی، انگلیسی - اسپانیایی، انگلیسی - ترکی، انگلیسی - چینی، لهجه‌هایی از مناطق مختلف آمریکا، انگلیسی - پرتغالی، انگلیسی - کره‌ای، انگلیسی - فرانسوی، انگلیسی - ایتالیایی، انگلیسی - بلژیکی، و انگلیسی - لهستانی ملاحظه گردید. درباره آموزش گویش‌های اجتماعی و لهجه‌های خارجی، ترادگیل (Trudgill 1995) و براون (Brown 2007) بیان داشته‌اند که در روش‌های نوین آموزش زبان به ارائه لهجه‌ها و گویش‌های متنوع نیاز است. باتوجه‌به

اهمیت این موضوع، ملاحظه می‌شود که مجموعه تاپ ناچ توجه مناسبی به معرفی لهجه‌های مختلف زبان انگلیسی داشته است.

در پاسخ به پرسش دوم، که آیا داده‌های زبانی اصطلاحات، عبارات، واژگان عامیانه، و ضرب‌المثل دارند، در بررسی مجموعه فارسی پیاموزیم استفاده از زبان عامیانه مشاهده نشد و تعداد ضرب‌المثل‌ها کم بود. از جمله عبارت‌هایی که در مکالمه‌های روزمره در کتاب به آن‌ها اشاره شده است، می‌توان به مواردی هم چون «ان شاء الله، به سلامتی، دست شما درد نکنه، قصه‌اش درازه، خدا بیامرز دوش» و نظایر آن اشاره کرد. در مجموعه تاپ ناچ نیز استفاده از زبان عامیانه مشاهده نشد، اصطلاح و ضرب‌المثل انگشت‌شمار بود، اما عبارت‌ها از بسامد بیشتری برخوردار بود. بنابه گفته کوپر (Cooper 1999) استفاده فراوان از عبارت‌ها و اصطلاحات در مکالمه‌ها به افزایش فراگیری آن‌ها منجر می‌گردد و بر این اساس، میزان توجه دو مجموعه به این موضوعات مطلوب به نظر می‌آید.

در پاسخ به پرسش سوم، که آیا کتاب در پیش‌برد توانش کاربردی زبان‌آموزان موفق عمل کرده است، هاتس به مؤلفه‌های بافتی نظیر رابطه گویندگان و نقش آن‌ها، موضوع مکالمه، زمان و مکان مکالمه، و این‌که آیا این عوامل در ارائه مکالمه در نظر گرفته شده‌اند یا خیر توجه داشته است. شکل ۲ نمونه‌ای از ارائه مناسب این مؤلفه‌ها به‌هنگام درخواست یا سفارش (request) به‌عنوان کنش گفتار (speech act) در مجموعه فارسی پیاموزیم است.



شکل ۲. کتاب فارسی پیاموزیم، ج ۲، ص ۲۰۵

ارزیابی فرهنگی یک مجموعه کتاب ... (غلامحسین شاهینی و مجتبی نظری) ۲۵۷

در این مکالمه، همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، آقای بهزادی به‌عنوان مشتری و خیاط در حال مکالمه‌اند و ارتباط دوستانه و صمیمی میان آن‌ها مشاهده نمی‌شود. در سطر نخست، آقای بهزادی اشاره می‌کند که کت و شلوار را برای ایام عید می‌خواهد، پس زمان این مکالمه پیش از عید و مکان آن در مغازه خیاطی است. نمونه‌ای از توجه کامل به مؤلفه‌های بافتی در مجموعه تاپ ناچ را می‌توان در شکل ۳ یافت که در این مکالمه سفارش غذا توسط مشتری و ثبت آن توسط پیش خدمت به‌عنوان موضوع مکالمه کاملاً آشکار است. مکان این مکالمه در رستوران و زمان آن هنگام وعده ناهار است. ایجاد بافت مناسب برای آموزش کنش‌های گفتاری توسط نویسندگان در این دو مجموعه در جهت تأکید و توجه بارن (Barron 2016) بر این موضوع در تحلیل محتوای کتاب جی کورنل سن (Cornelsen /G2000A) است.

ENGLISH FOR TODAY'S WORLD
Understand English speakers from different language backgrounds.
Server = Portuguese speaker
Customer = Korean speaker

E ▶ 221 PHOTO STORY Read and listen to someone ordering food in a restaurant.



<p>Server: Are you ready to order? Or do you need some more time?</p> <p>Customer: I'm ready, thanks. I think I'll start with the potato soup. Then I'll have the roast chicken. What does that come with?</p>	<p>Server: It comes with a salad. And there's also a choice of vegetables. Tonight we have carrots or grilled tomatoes.</p> <p>Customer: I'd like the carrots, please. Or, on second thought, maybe I'll have the tomatoes.</p>	<p>Server: Certainly. And anything to drink?</p> <p>Customer: I'd like sparkling water, please. No ice.</p>
--	---	---

*Server = waiter (man) or waitress (woman)

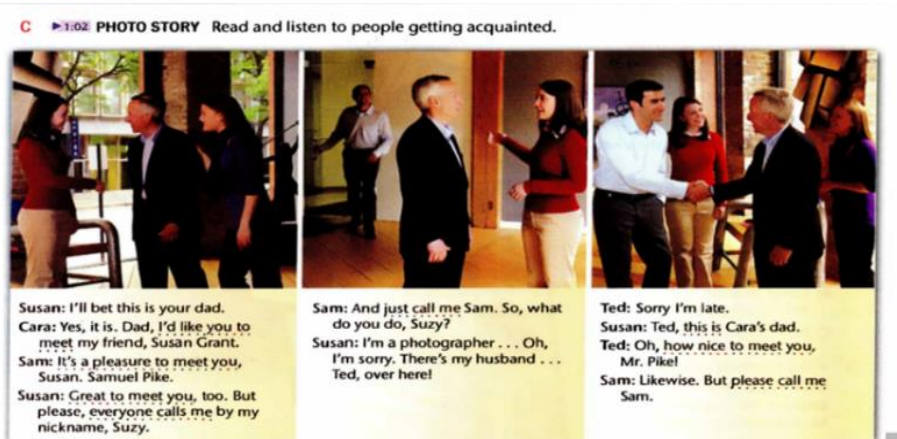
شکل ۳. کتاب تاپ ناچ، ج ۱، بخش ۴، ص ۳۹

در پاسخ به پرسش چهارم الگوی هاتس که آیا در کتاب داده‌های فرازبانی (ارتباطات غیرکلامی) به‌کار رفته است، در شکل ۴ نمونه‌ای از این نوع داده‌ها در کتاب فارسی بیاموزیم مشاهده می‌شود.



شکل ۴. کتاب فارسی بیاموزیم، ج ۲، ص ۳۰

در این مکالمه، مایکل با اشاره دست به سمت پنجره از بهروز می‌خواهد که پنجره را باز کند، اما بهروز با شال گردنی که پوشیده و اشاره‌ای که به آن دارد با حالت چهره خاص خود می‌گوید که من مریض هستم و هوای بیرون سرد است. در شکل ۵، نمونه مناسبی از این نوع ارتباط در مجموعه تاپ ناچ مشاهده می‌شود.



شکل ۵. کتاب تاپ ناچ، ج ۱، ص ۳

در شکل سمت چپ، دست کارا (Cara) در پشت پدرش است که نشان از همراهی وی با پدرش و هم‌چنین به قصد معرفی پدر خود به دوستش است. در شکل میانی اشاره دست سوزان (Susan) به سمت همسرش نمونه دیگری از ارتباط غیرکلامی است. در شکل سمت راست نیز شاهد آشنایی سم (Sam) و تد (Ted) و دست دادن آن‌ها همراه با لبخندی هستیم که می‌تواند نشان از خوش‌حالی آن‌ها برای این آشنایی باشد. با توجه به اشاره براون (همان و امبدی و ویباخ (Ambady and Weisbuch)، مبنی بر اهمیت ارتباط غیرکلامی در فراگیری زبان دوم، دو مجموعه حاضر نسبت به این موضوع توجه داشته‌اند. البته، پس از بررسی نمونه‌هایی از هر دو مجموعه، ملاحظه شد که در مجموعه تاپ ناچ به دلیل استفاده از تصاویر واقعی به نظر می‌رسد زبان‌آموز در درک ارتباط غیرکلامی با دشواری کم‌تری مواجه شود.

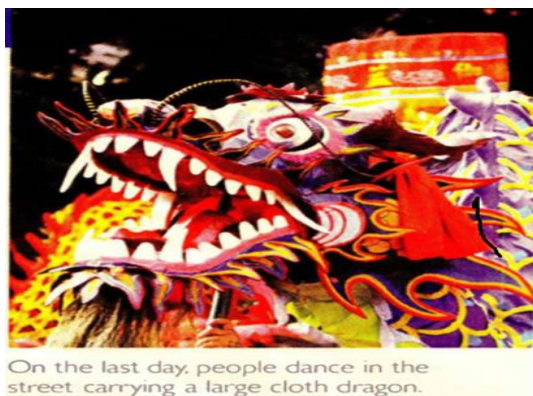
در پاسخ به پرسش پنجم الگوی هاتس، که آیا داده‌های فرهنگی غیرزبانی (تصاویر و غیره) به صورت نماد یا نشانه به کار رفته است، مواردی نظیر پرچم ایران در شکل ۶ در مجموعه فارسی بیاموزیم معرفی شده است.

ارزیابی فرهنگی یک مجموعه کتاب ... (غلام حسین شاهینی و مجتبی نظری) ۲۵۹



شکل ۶. کتاب فارسی بیاموزیم، ج ۲، ص ۱۵۵

پرچم ایران به‌عنوان اولین و مهم‌ترین نماد کشور از سه رنگ سبز، سفید، و قرمز و واژه الله در مرکز آن و عبارت الله اکبر تشکیل شده است. هم‌چنین، در شکل ۷ عروسک اژدها به‌عنوان یک نماد در کشور چین در مجموعه تاپ ناچ معرفی شده است.



شکل ۷. کتاب تاپ ناچ، ج ۳

براساس باورهای سنتی در چین، اژدها نماد قدرت، برکت، خوش‌شانسی، و موفقیت است و رقص اژدها در بسیاری از جشن‌های چینی مانند جشن سال نو اجرا می‌شود. در ارتباط با پرسش ششم الگوی هاتس و معرفی مؤلفه‌های فرهنگی کلان، در جلد نخست فارسی بیاموزیم، هیچ مؤلفه فرهنگی از این نوع مشاهده نشد. در جلد دوم، از اشخاصی هم‌چون علی‌اکبر دهخدا، باباطاهر، کمال‌الدین بهزاد، و آثار ادبی نظیر شاهنامه فردوسی، دیوان حافظ، گلستان و بوستان، کلیله و دمنه، و تاریخ بلعمی نام برده شده است. در جلد سوم، معرفی هنر خوش‌نویسی و انواع آن مانند خط نستعلیق، کوفی، و نسخ و در زمینه موسیقی ایرانی سازهای تار، سه‌تار، تنبور، تنبک، و نی معرفی شده است. به چند مورد از افسانه‌های ایرانی از جمله سمک عیار، داراب‌نامه، قصه امیرحمزه، امیرارسلان نام‌دار، قصه‌های هزار و یک شب،

طوطی‌نامه، و چهل دزد بغداد نیز اشاره شده است. در انتهای هر درس یک شعر معرفی شده است که برخی از این اشعار متعلق به شاعران بزرگ معاصر هم‌چون ملک‌الشعراى بهار، فریدون مشیری، سهراب سپهری، و قیصر امین‌پور است. توجه ویژه به مؤلفه‌های فرهنگی کلان در این مجموعه را می‌توان با یافته‌های شاهینی و میمندی (Shahini and Meymandi 2017)، موسوی (۱۳۹۷)، و ده‌بزرگی (۱۴۰۰) هم‌سو دانست. در جلد نخست مجموعه *تاپ ناچ* تعداد موارد مربوط به مؤلفه‌های فرهنگ کلان انگشت‌شمار است و تمامی موارد مربوط به هنرمندان است. در این جلد از افرادی مانند مارک آنتونی (Marc Anthony)، جنیفر لارنس (Jennifer Lawrence)، بردلی کوپر (Bradley Cooper)، و انریکه ایگلسیاس (Enrique Iglesias) نام برده شده است. در جلد دوم موارد بیش‌تری معرفی شده است که در میان آن‌ها نام چند فیلم شناخته‌شده مانند *تایتانیک* (Titanic)، *گتسبی بزرگ* (The Great Gatsby)، و *کازابلانکا* (Casablanca)، *تابلو* نقاشی *مونالیزا* (Mona Lisa) اثر لئوناردو داوینچی (Leonardo da Vinci)، *قطعه موسیقی* معروف *سرود شادی* (Ode to Joy)، معرفی هنرمندان معروفی مانند پابلو پیکاسو (Pablo Picasso)، وینسنت ون‌گوگ (Vincent van Gog)، و چارلی چاپلین (Charlie Chaplin) نیز به چشم می‌خورد. در جلد سوم، تنها معرفی رمان پیرمرد و دریا اثر ارنست همینگوی (Ernest Hemingway) و *زندگی‌نامه نلسون ماندلا* (Nelson Mandela) صورت پذیرفته است.

درباره پرسش هفتم و معرفی مؤلفه‌های فرهنگی خرد، در جلد نخست *فارسی بیاموزیم* موضوعاتی مانند سلام و احوال‌پرسی، جشن تولد، و فعالیت و وظایف افراد خانواده مطرح شده است. در جلد دوم به موضوعاتی هم‌چون گردش و تفریح، مسافرت در ایام تعطیلات، خرید کردن، و خیاطی اشاره شده است. در جلد سوم موضوعاتی مانند جشن و مهمانی، تماشای تلویزیون و روزنامه‌خواندن، انتخاب شغل، و قرار ملاقات‌های روزانه به چشم می‌خورد. از ویژگی‌های بارز و مهم در کتاب‌های *تاپ ناچ* پرداختن به مؤلفه‌های فرهنگی خرد است که برای نمونه می‌توان به موضوعاتی نظیر تغذیه سالم، پوشش، استفاده از وسایل الکترونیکی، فعالیت‌های ورزشی، تناسب اندام، تغذیه مناسب، و جراحی‌های زیبایی اشاره کرد.

درباره پرسش هشتم و نمود مؤلفه‌های فرهنگ ظاهری در مجموعه *فارسی بیاموزیم* مشاهده شد که غذاهای ایرانی (جوجه کباب، آب‌گوشت، آش، خورشید سبزی، و شله‌زرد)، جشن (شب یلدا و عید نوروز)، بناهای تاریخی (تخت جمشید، کاخ گلستان، گنبد سلطانیه، آرامگاه حافظ، آرامگاه سعدی، موزه ملی ایران، مسجد شیخ لطف‌الله، و غیره)، پوشش (لباس حاجی فیروز، لباس عشایر)، سازهای ایرانی (کمانچه، نی، تنبک، تار، و سه‌تار) معرفی شده

است. در مجموعه *تاپ ناچ* به مؤلفه‌های فرهنگ‌های ظاهری نظیر غذاها (سوشی، استیک، پیتزا، پاستا، خاویار، چودوفو، موشی، چاپولینس، ژلاتو، و اردک پکنی)، پوشش (لباس سنتی زنان چینی، لباس سنتی زنان کره‌ای، و پوشش زنان هندی)، مکان‌ها (برج آزادی نیویورک، برج ایفل، دیوار چین، موزه لوور، موزه بریتانیا، موزه پارادو، تاج‌محل، و قلعه ممنوعه در چین)، جشن‌ها و مراسم‌ها (جشن سال نوی چینی، جشن شکوفه‌های گیلاس در ژاپن، جشن رنگ‌ها در هند، جشن آب در تایلند، جشن شکرگزاری در آمریکا، و غیره) اشاره شده است.

درباره پرسش نهم، تعداد موارد مرتبط با فرهنگ ژرف در دو مجموعه انگشت‌شمار است. در مجموعه *فارسی بیاموزیم مفاهیم* «قسم، جبرئیل، جوان‌مردی، و فداکاری» یافت شد. در مجموعه *تاپ ناچ* نیز موضوعاتی مانند «صداقت، نژادپرستی، و تروریسم» اشاره شده است. از آن‌جاکه پرسش هشت و نه به‌طور متضاد با یک‌دیگر پیوسته هستند، نتایج این دو پرسش در جهت یافته مطالعه رودریگز (Rodrigues 1995) است؛ چراکه در هر دو مطالعه موضوعات مربوط به فرهنگ ظاهری مورد توجه قرار گرفته‌اند و برعکس به مسائل مربوط به فرهنگ ژرف توجه چندانی نشده است.

در ارتباط با پرسش دهم و نمود فرهنگ به‌صورت یک‌پارچه و منسجم در مجموعه *فارسی بیاموزیم* ملاحظه شد که در جلدهای یک و دو از اسامی خارجی مانند جولیا، الکس، رابرت، اسمیت، آماندا، و ماری استفاده شده است و در بخش واژه‌آموزی به آپرا و کنسرت اشاره شده است. در مجموعه *تاپ ناچ* موارد فراوانی از مکان‌های دیدنی از کشورهای لندن، پاریس، میلان، کانادا، شیلی، تایلند، و یونان برای مسافرت پیش‌نهاد می‌شود. غذاهایی متنوع از کشورهای چین، ژاپن، کره، مکزیک، پرو، انگلیس، و تایلند نیز معرفی شده است. به پوشش‌های خاص در برخی کشورها مانند چین، کره، و ترکیه و هم‌چنین هنرمندان و آثار هنری و فرهنگی برخی کشورها مانند فرانسه، ایتالیا، ایران، آلمان، چین، و غیره اشاره شده است. هم‌چنین، ماه رمضان، جشن سال نو در چین، جشن شکوفه‌های گیلاس در ژاپن، کارناوال سالانه در برزیل، و جشن آب در تایلند از نمونه‌های معرفی شده در این مجموعه است. هون چان (Hon-Chan 1971) تکرارگرایی فرهنگی را مربوط به جوامعی می‌داند که دربرگیرنده گروه‌های نژادی و قومیتی متفاوت باشد و از آن‌جاکه مجموعه *تاپ ناچ* تا حد زیادی دربرگیرنده مؤلفه‌های فرهنگی کشورهای دیگر است، می‌توان نتیجه گرفت که این مجموعه تا حد زیادی مطابق با جامعه تکرارگرایی آمریکاست، اما در مجموعه *فارسی بیاموزیم* در مقایسه با مجموعه *تاپ ناچ* اشاره به فرهنگ سایر کشورها کم‌تر صورت گرفته است و این مجموعه با یک‌پارچگی بیش‌تر نسبت به

تاپ ناچ معرف جامعه یک‌پارچه ایران است. این نتیجه تأییدکننده یافته مطالعه رضایی و لطیفی (۱۳۹۴) است؛ زیرا آن‌ها نیز در کتاب/نگلیسی پایه هفتم به این نتیجه رسیدند که این کتاب نیز متمرکز بر فرهنگ بومی ایران است.

در ارتباط با پرسش یازدهم و نمود فرهنگ به صورت پویا، که نتیجه تغییرات در شیوه زندگی و رفتارهای اجتماعی است، در مجموعه فارسی بیاموزیم موردی مشاهده نشد که بتوان آن را به عنوان پویایی جامعه و فرهنگ ایران معرفی کرد. در این مجموعه، بیش‌تر به معرفی شخصیت‌های فرهنگی، ادبی، تاریخی و مذهبی، معرفی مکان‌ها، و مسائلی از این دست پرداخته شده است، اما در مجموعه تاپ ناچ موضوعاتی مطرح شده است که نشان از تغییر در سبک زندگی است. استفاده از تلفن هوشمند، وسایل الکترونیکی، رژیم‌های غذایی گیاهی (گیاه‌خواری)، جراحی‌های زیبایی، روش‌های درمانی جدید، ایمیل، دستگاه‌های خودپرداز، و کارت‌های اعتباری مواردی هستند که حاکی از تغییرات در جامعه امروزی هستند. به‌منظور وضوح بیش‌تر، شکل ۸ نمونه‌ای از متن کتاب تاپ ناچ است که به این موضوع اشاره دارد.



شکل ۸ کتاب تاپ ناچ، ج ۳، ص ۱۰

در یکی از پاراگراف‌های این متن، که با رنگ زرد مشخص شده، از فرد مسنی خواسته شده است که از تغییرات در جامعه امروزی صحبت کند. در این مکالمه، وی به دو موضوع آداب غذاخوردن و نحوه صحبت جوانان با بزرگ‌ترها اشاره دارد. او درباره آداب غذاخوردن در گذشته بیان می‌دارد که وعده‌های غذایی در ساعتی مشخص و با حضور همه اعضای خانواده

صرف می‌شد. کودکان هنگام حضور پشت میز غذاخوری بسیار مؤدبانه رفتار می‌کردند، لباس‌های تمیز و مرتب می‌پوشیدند و با لباس جین یا شورت سر میز حاضر نمی‌شدند و آرنج خود را روی میز نمی‌گذاشتند. کودکان اجازه صحبت نداشتند تا زمانی که بزرگ‌ترها با آنها صحبت می‌کردند، اما امروزه در بسیاری از خانواده‌ها ساعت مشخصی برای غذا خوردن وجود ندارد. مادرها در بیرون از خانه مشغول به کار هستند و زمان کافی برای پخت غذا وجود ندارد و بچه‌ها از غذاهای بیرون استفاده می‌کنند.

درباره پرسش دوازدهم و روزآمد بودن فرهنگ زبان مقصد، در مجموعه فارسی بیاموزیم برخی از مطالب ارائه‌شده به‌روز نیستند و نمود واقعی جامعه نیستند. از این مطالب می‌توان به معرفی «ورزش زورخانه‌ای و وسایل مورد استفاده در آن مانند میل، کباده و سنگ، جشن مهرگان، نمایش‌های قدیم ایران مانند سوگ سیاوش، تقویم اوستایی، و غیره» اشاره کرد، اما در مجموعه *تاپ ناچ* مطالب غالباً مربوط به زندگی روزمره جامعه و موضوعات جدید است؛ موضوعاتی هم چون «استفاده از تلفن هوشمند، وسایل الکترونیکی، کامپیوتر و اینترنت، توجه به رژیم‌های غذایی، روش‌های درمانی جدید، کتاب‌های الکترونیکی، و غیره» از این دست است. از آن‌جاکه پرسش یازدهم و دوازدهم تقریباً در یک مقوله قرار می‌گیرند، عملکرد کتاب *تاپ ناچ* در معرفی مؤلفه‌های فرهنگ پویا و معاصر و به‌روزی‌بودن آن‌ها را می‌توان در جهت نتایج به‌دست‌آمده در مطالعه لین (Lin 2014) دانست که وی به اهمیت ارائه فرهنگ پویا در کتاب‌های آموزش زبان دوم تأکید می‌کند و آن را عامل افزایش انگیزه و اعتمادبه‌نفس در فراگیری زبان دوم می‌داند.

درباره پرسش سیزدهم، که آیا داده‌های فرهنگی ارائه‌شده در کتاب معرف و بیان‌گر دانش و اطلاعات فرهنگی سخن‌گویان بومی آن زبان است، هاتس ابراز می‌دارد که اگر مطالب موجود در یک کتاب به گونه‌ای باشند که حتی سخن‌گویان بومی از آن‌ها بی‌اطلاع باشند و یا آگاهی کافی به آن‌ها نداشته باشند، پس چرا باید انتظار داشت که زبان‌آموزان این موضوعات را فراگیرند. در مجموعه فارسی بیاموزیم مطالبی وجود دارد که ممکن است ایرانیان تنها با نام آن‌ها آشنا باشند؛ موضوعاتی مانند «تاریخچه سینمای ایران، آریوبرزن، گنبد سلطانی، جشن مهرگان، کمال‌الملک، کمال‌الدین بهزاد». پس از بررسی مجموعه *تاپ ناچ* ملاحظه شد که مطالب ارائه‌شده غالباً مربوط به مسائل اجتماعی و جامعه‌امروزی است که به‌نظر می‌رسد بیش‌تر مردم به آن‌ها آگاهی و شناخت داشته باشند؛ مطالبی مانند هنرمندان موسیقی و سینما لئوناردو دی‌کاپریو (Leonardo DiCaprio)، مارک آنتونی، انریکه ایگلسیاس، اسامی برخی

فیلم‌های معروف تایتانیک، کازابلانکا، جشن شکرگزاری، پوشش زنان آمریکا، وسایل الکترونیکی، کامپیوتر و اینترنت، تغذیه سالم، تناسب اندام، جراحی‌های زیبایی، و غیره. در ارتباط با پرسش چهاردهم، یعنی آموزش صریح و مستقیم مسائل فرهنگی، در مجموعه فارسی بیاموزیم بسیار کم به این موضوع پرداخته شده است. در جلد نخست، در مکالمه میان معلم و دانش‌آموز بیان شده است: «برای معلمت از ”شما“ به جای ”تو“ استفاده کن». در جلد سوم دو جمله وجود دارد: «در ایران کسی که عزادار است لباس سیاه می‌پوشد» و «دختران مسلمان وقتی نه‌ساله می‌شوند باید نماز بخوانند». چند نمونه از معرفی‌های صورت گرفته در مجموعه *تاپ ناچ* عبارت‌اند از: «در برخی مذاهب خوردن گوشت خوک ممنوع است و کسی این کار را انجام نمی‌دهد. رسم نیست که مرد برای دست‌دادن با خانم‌ها پیش‌قدم شود و باید اجازه دهد خانم این کار را انجام دهد. مراسم قایق‌اژدها سالانه در ماه مه یا ژوئن در چین برگزار می‌شود. در هند، تاریخ تولد عروس یا داماد را برای روز ازدواج انتخاب می‌کنند. در اکوادور اگر کسی به شما هدیه داد باید تشکر کرد و فوراً آن را باز کرد. در کره، همراهی مهمان تا در خروجی یک رفتار فرهنگی است». باتوجه به تأکید بوتیس (Buttjes 1990) و کرامش و همکاران (Kramsch et al. 1996) بر آموزش مستقیم فرهنگ نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که در مجموعه *تاپ ناچ* توجه بیش‌تری به این موضوع شده است.

درباره پرسش پانزدهم و این‌که آیا فراگیری فرهنگ به‌صورت تجربی یا به‌صورت شناختی انجام می‌پذیرد، نتایج بررسی دو مجموعه فارسی بیاموزیم و *تاپ ناچ* چنین نشان می‌دهد که در این دو مجموعه موردی مبنی بر آموزش تجربی فرهنگ وجود نداشت و بیش‌ترین توجه به آموزش شناختی معطوف بوده است. کرامش (Kramsch 1993) اظهار می‌دارد که یادگیری شناختی و تجربی هر دو در روند آموزش فرهنگ اهمیت دارند و باید با هدف ایجاد تعادل میان هر دو روش به نتیجه مطلوب دست یافت. ذکر این نکته ضروری است که در هر دو مجموعه چند نمونه آموزش تجربی وجود دارد که تنها به‌منظور تقویت مهارت‌های چهارگانه زبان استفاده شده است و مرتبط با فرهنگ نیست.

مبنای موضوعات کلیشه‌ای معرفی موضوعات به‌گونه‌ای است که به گروه خاصی تعمیم داده شود. به‌عنوان مثال، مواردی مانند «سیاست‌مداران فاسد هستند، مردم پول‌دار خودخواه هستند، مردها قوی‌تر هستند، و غیره» موردنظر است. در ارتباط با پرسش شانزدهم و این‌که آیا کتاب به شکل‌گیری کلیشه (stereotype formation) منجر می‌شود یا خیر در مجموعه فارسی بیاموزیم موضوعی مشاهده نشد که به‌وضوح به کلیشه منجر شود. در جلد دوم *تاپ ناچ* تنها در یک متن (شکل ۹) به‌وضوح نمونه‌ای از ایجاد کلیشه مشاهده شد.



شکل ۹. کتاب تاپ ناچ، بخش ۶، درس ۲

براساس جملاتی که با رنگ زرد علامت‌گذاری شده است دو کلیشه وجود دارد: «آمریکایی‌ها تناسب اندام ندارند (اضافه‌وزن دارند)، فرانسوی‌ها لاغر هستند». هم‌چنین، به میزان غذا خوردن آن‌ها اشاره شده است که «فرانسوی‌ها هرگاه احساس سیری کنند از غذا خوردن دست می‌کشند اما آمریکایی‌ها، تازمانی که بشقاب غذا خالی نشده باشد، به غذا خوردن ادامه می‌دهند».


درباره پرسش هفدهم و پرداختن کتاب به معرفی مؤلفه‌های فرهنگی خاص و غیرمعمول در مجموعه فارسی پیاموزیم تنها موردی که می‌توان آن را نمونه‌ای مرتبط با این نکته معرفی کرد جمله «ایرانیان فرزندان خود را از پنج تا بیست‌سالگی به سه کار عادت می‌دهند: اسب‌سواری، تیراندازی، راست‌گویی» است. این جمله براساس شرایط جامعه ایرانی در دوران گذشته بیان شده است. در جامعه کنونی ایران، امکان آموزش اسب‌سواری، تیراندازی، و بهره‌بردن از این آموزش‌ها در سطح جامعه وجود ندارد و نمود واقعی آن در جامعه مشاهده نمی‌شود. درباره مجموعه تاپ ناچ هیچ موضوع فرهنگی خاص و غیرمعمول ملاحظه نشد.

درباره پرسش هیجدهم و معرفی فرهنگ زبان مبدأ (غیرفارسی) در مجموعه فارسی پیاموزیم استفاده از این مؤلفه محدود است. در جلد نخست، استفاده از اسامی خارجی مانند رابرت، آماندا، اسمیت؛ تصویر کراوات، برج آزادی نیویورک، برج ایفل، برج ساعت لندن؛ عبارت «در آمریکا یک‌شنبه‌ها مدرسه تعطیل است»؛ نام غذاهایی هم‌چون همبرگر و پیتزا؛ نام کشورهای اسپانیا، ایتالیا، فرانسه، و غیره به‌هم‌راه تصویر پرچم آن کشورها نمایش داده شده است. هم‌چنین، در قسمت آموزش واژگان، نام‌بردن از آپرا و کنسرت و قبل از همه این موارد آموزش حروف و واژگان با کمک حروف انگلیسی انجام شده است. در جلد دوم، روند

استفاده از اسامی خارجی (جولیا و الکس) در برخی مکالمه‌ها، اشاره به شهرهایی از آمریکا (نیویورک و واشنگتن)، مقایسه سفر، هفت‌سین و درخت کریسمس، صحبت درباره تعطیلات کریسمس در آمریکا مواردی است که مربوط به فرهنگ زبان مبدأ است. در جلد سوم، تمامی مطالب ارائه‌شده مربوط به فرهنگ مقصد، یعنی فرهنگ ایرانی، است. در سه جلد مجموعه *تاپ ناچ* تنها دو مورد معرفی فرهنگ ایرانی وجود دارد. در یک مورد به فرش ایرانی به‌عنوان هنر اصیل ایران و در مورد دیگر از مجید مجیدی به‌عنوان کارگردان اثر ماندگار *بچه‌های آسمان* نام برده شده است. در مجموعه *تاپ ناچ*، معرفی مکان‌های دیدنی، غذاها، جشن‌ها و مراسم‌ها، شخصیت‌های هنری و فرهنگی مربوط به کشورهای دیگر بسیار زیاد ارائه شده است. باتوجه‌به این نتیجه می‌توان دریافت که، برخلاف نتایج مطالعات دیگر نظیر شاتناوی (2009 Shatnawi) در کتاب *میشن (Mission)*، شیائو (2010 Xiao) در کتاب *لیسنینگ (Listening)*، زارعی و خالصی (2011 Zarei and Khalessi) در مجموعه *ایتترچنج (Interchange)*، دویک و السید (Dweik and Al) (2015 Sayyed) در کتاب *اکشن‌پک ۱۲ (Action Pack 12)* که در آن‌ها توجه چندانی به فرهنگ مبدأ و بین‌المللی نشده است در مجموعه *تاپ ناچ* این موضوع دارای اهمیت فراوان است.

درباره پرسش نوزدهم و این‌که آیا هدف کتاب همانندساختن زبان‌آموزان با فرهنگ زبان دوم است باید گفت که پاسخ این پرسش را با بررسی محتوای کتاب نمی‌توان داد؛ زیرا ممکن است مطلبی از دیدگاه یک شخص ایجاد همانندسازی کند و از دیدگاه شخص دیگری خیر. در نتیجه، برای بررسی این پرسش به یک پژوهش میدانی نیاز است.

در ارتباط با پرسش بیستم و تشویق و ترغیب زبان‌آموزان به توجه به مسائل فرهنگی و تأمل و تدبر در آن‌ها در جلد یک و سه کتاب *فارسی بیاموزیم* هیچ موردی یافت نشد که به تأمل و اندیشیدن منجر شود یا انعکاس نشان‌دادن ارزش‌های فرهنگی باشد. در جلد دوم، تنها در درس دوازدهم، پس از معرفی عید نوروز و موضوعات مربوط به آن در تمرین‌ها، مواردی نظیر آنچه در شکل ۱۰ مشاهده می‌کنید مطرح شده است.

<p>۴. به دوستانت بگو شب عید چه غذایی می‌خوردی. آیا می‌دانی چگونه آن‌ها را درست می‌کنند؟</p> <p>۵. درباره‌ی خوردنی‌های روزهای عید با دوستانت صحبت کن</p> <p>۶. حالا به پرسش‌های زیر پاسخ بده</p> <p>الف: آیا روز کریسمس هم غذای مخصوصی دارد؟ چه غذایی؟ ب: آیا در تعطیلات کریسمس آمریکایی‌ها به «دید و بازدید» می‌روند؟ پ: در مهمانی کریسمس چه چیزهایی می‌خورند؟ ت: آیا ایرانی‌ها مراسم عید نوروز را در آمریکا برگزار می‌کنند؟ چگونه؟</p>	
--	---

ارزیابی فرهنگی یک مجموعه کتاب ... (غلامحسین شاهینی و مجتبی نظری) ۲۶۷

توجه به این مبحث در مجموعه تاپ ناچ بیش تر و اصولی تر صورت گرفته است و نشان می دهد که نویسندگان کتاب توجه ویژه ای به این موضوع داشته اند. در همه جلد های این مجموعه، پس از معرفی موضوعات فرهنگی، تمرین هایی مبتنی بر کار گروهی یا ایجاد فضای مقایسه ای موجب شده است که نقش و توجه کتاب به این موضوع پررنگ تر باشد. در این جهت، نمونه ای در شکل ۱۱ ارائه گردیده است.

Culture Survey

	have changed a little	have changed a lot	Is the change for the better? YES NO
1. Table manners			
2. Musical tastes			
3. Dating customs			
4. Clothing customs			
5. Rules about formal behavior			
6. Rules about punctuality			
7. Forms of address			
8. Male / female roles in the workplace			
9. Male / female roles in the home			
	Total YES answers:		

Are you a dinosaur or a chameleon?

How many times did you check YES in the third column?

0-3 = Definitely a dinosaur. You prefer to stick with tradition. Your motto: "If it ain't broken, don't fix it!"

4-6 = A little of both. You're willing to accept to change, but not too fast. Your motto: "Easy does it!"

7-9 = Definitely a chameleon. You like to change easily. Your motto: "Out with the old, in with the new!"

PAIR WORK Compare and discuss your answers. Provide specific examples of changes for each answer. Use the past perfect if you can.

DISCUSSION Talk about how culture has changed. Include these topics in your discussion:

- Which changes do you think are good? Which changes are not good? Explain your reasons.
- How do you think older people feel about these changes?
- Do you think men and women differ in their feelings about cultural change? If so, how?

Text-mining (optional)
Find and underline three words or phrases in the Reading that were new to you. Use them in your Discussion. For example: "strict."

44 I think clothing customs have become less modest. My mother wore a uniform to school. But by the time I started school, girls had stopped wearing them. Now girls can go to school in jeans and even shorts! **45**

شکل ۱۱. کتاب تاپ ناچ، ج ۳، ص ۱۱

همانگونه که در این شکل ملاحظه می شود، متن درباره تغییرات فرهنگی است. در قسمت B و C از زبان آموزان خواسته شده که پاسخ های خود را در قبال موارد مطرح شده در قسمت بررسی فرهنگی (cultural survey) ارائه کنند. در چنین تمرین هایی، پاسخ ها بر اساس متن نیست و زبان آموزان نظرهای خود را ارائه می دهند. به نظر می آید که با معرفی چنین تمرین هایی زبان آموز با ارزیابی فرهنگ خویش و فرهنگ جدید و تلفیق و مقایسه آن ها به شناخت بهتری از هر دو فرهنگ برسد. با توجه به نمود بیش تر این مؤلفه در کتاب تاپ ناچ، به نظر می رسد که این کتاب با نظر کوماروادای ولو (Kumaravadevelu 2008) و بایرام (Byram 2011) که بیان می کنند که آموزش زبان دوم تنها از طریق تأمل و فهم مسائل فرهنگی آن زبان در چهارچوب آموزش انتقادی (تحلیل و مقایسه در شکل ۱۴) صورت می پذیرد در یک جهت باشد.

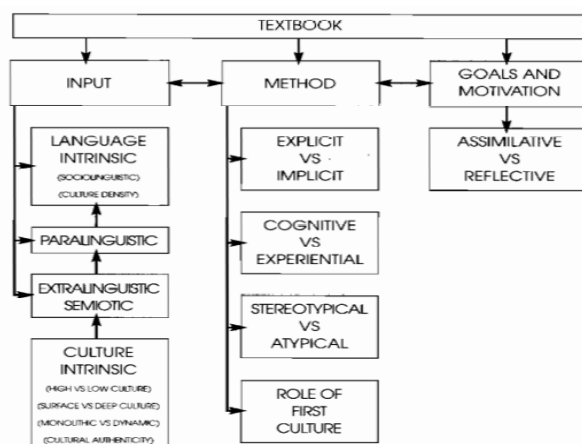
۶. نتیجه گیری

از مجموع نکات مطرح شده این گونه می توان نتیجه گیری کرد که موضوعات مطرح شده در الگوی هاتس در مجموعه تاپ ناچ بیش تر مورد توجه قرار گرفته است؛ به این صورت که این

مجموعه در معرفی موارد مرتبط با سطح یک (ورودی) یعنی لهجه‌های مختلف، مؤلفه‌های فرهنگ خرد، توجه به تکثرگرایی فرهنگی، ارائه فرهنگ به صورت پویا، به‌روزرودن فرهنگ زبان مقصد، معرفی نکات فرهنگی که سخن‌گویان بومی از آن‌ها اطلاع دارند، معرفی موارد مرتبط با سطح دو (روش)، یعنی آموزش صریح و مستقیم مسائل فرهنگی، و معرفی تنها مورد مرتبط با سطح سه (اهداف و انگیزه‌ها)، یعنی دعوت زبان‌آموزان به تأمل و تدبیر در مسائل فرهنگی، بهتر از مجموعه فارسی بیاموزیم عمل کرده است. هم‌چنین، با توجه به نمود لهجه‌ها و فرهنگ‌های مختلف در مجموعه *تاپ ناچ* می‌توان نتیجه گرفت که در حوزه ارتباطات بینا فرهنگی این مجموعه از مجموعه فارسی بیاموزیم موفق‌تر عمل کرده است. در مقابل، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که مجموعه فارسی بیاموزیم در قبال معرفی فرهنگ کلان عملکرد بهتری از مجموعه *تاپ ناچ* داشته است و این‌که هرچه به جلدهای بالاتر این مجموعه نگاه می‌کنیم، نمود فرهنگ کلان بیش‌تر می‌شود. هم‌چنین، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که هر دو مجموعه نقش به‌سزایی در معرفی اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها، معرفی نمادهای فرهنگی، و نپرداختن به مفاهیم انتزاعی داشته‌اند، اما در بحث آموزش مسائل فرهنگی به صورت تجربی ضعیف عمل کرده‌اند. به‌علاوه، برخلاف مجموعه *تاپ ناچ*، مجموعه فارسی بیاموزیم متمرکز بر فرهنگ بومی ایران است و تکثرگرایی در آن زیاد مشاهده نمی‌شود. با توجه به نتایج پژوهش حاضر، نویسندگان این دو مجموعه می‌توانند نقاط قوت و ضعف کتاب‌های خود را در زمینه مسائل فرهنگی ارائه‌شده در الگوی هاتس تشخیص دهند و درصدد رفع آن‌ها برآیند. هم‌چنین، نویسندگان سایر کتاب‌های آموزش زبان خارجی می‌توانند از نقاط قوت این دو مجموعه در زمینه نمود مسائل فرهنگی بهره‌برند؛ چراکه مطلوب بودن محتوای فرهنگی کتاب‌های آموزش زبان خارجی موجب تسهیل آموزش مسائل فرهنگی توسط مدرسان می‌شود و به فراگیری مسائل فرهنگی و مقایسه فرهنگ بومی با فرهنگ خارجی توسط زبان‌آموزان منجر می‌گردد.

پیوست

الگو و فهرستگان بیست پرسشی هاتس



1. Does the linguistic input cater for sociolinguistic variation (social dialects and foreign accents, etc.)?
2. Is the linguistic input culturally dense (idioms, expressions, slang)?
3. Is the textbook successful at developing students' pragmatic competence?
4. Is there paralinguistic input (e.g. non-verbal communication)?
5. Is there any non-linguistic semiotic cultural input (pictures, etc.)?
6. Does the textbook teach high culture (culture with a capital 'C') such as literature, the arts)?
7. Does the textbook teach low culture (culture with a small 'c') such as everyday lifestyle?
8. Does the material teach surface culture only (e.g. food, dressing, and other visible elements of culture)?
9. Does the material teach deep culture (orientations, values, non-visible and non-tangible elements of culture)?
10. Is culture represented as monolithic?
11. Is culture represented as dynamic?
12. Is the cultural input a true reflection of the target culture?
13. Is the cultural input representative of the cultural knowledge that native-speaker peers would have?
14. Does the textbook teach cultural knowledge explicitly?
15. Is culture learning experiential (culture is to be experienced) or cognitive (learning facts)?
16. Does the textbook lead to stereotype formation?
17. Does the textbook cater for the atypical and individual?
18. Has first culture a role in teaching second culture?
19. Does the textbook aim at assimilating learners into a second culture?
20. Does the textbook encourage reflection?

کتاب‌نامه

- احمدی صفا، محمد و مجتبی فراهانی (۱۳۹۴)، «پرورش توانایی بینا فرهنگی در کتاب *Prospect 1* (پراسپکت یک) براساس دیدگاه معلمان زبان انگلیسی به منزله زبان خارجی»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، س ۱۵، ش ۳.
- امیری، مرضیه (۱۳۹۷)، بررسی مؤلفه فرهنگ اسلامی و زیرمؤلفه‌های آن در سه مجموعه کتاب آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان تحلیل سند و محتوا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، ایران.
- بحرینی، نسرین (۱۳۹۲)، «تحلیل ارزش‌های فرهنگی در کتاب‌های زبان انگلیسی»، راه‌برد فرهنگ، پیاپی ۲۲.
- بهار، مهری و زهرا گلستانه (۱۳۹۲)، «واکاوی عناصر فرهنگ غربی و تجربه زیسته ایرانی»، فصل‌نامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی، س ۲، ش ۲.
- درخشان، علی (۱۳۹۷)، «تحلیل و نقد ارزش‌های فرهنگی در مجموعه کتاب‌های درسی»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، س ۱۸، ش ۸
- ذوالفقاری، حسن، مهبد غفاری، و بهروز محمودی بختیاری (۱۳۸۱)، فارسی بیاموزیم، تهران: مدرسه.
- ده‌بزرگی، فاطمه (۱۴۰۰)، بررسی مؤلفه‌های فرهنگی موجود در تصاویر دو مجموعه کتاب آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان با استفاده از چهارچوب لی (۲۰۰۹)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، شیراز: دانشگاه شیراز.
- رضایی، سعید و اشکان لطیفی (۱۳۹۴)، «بررسی و نقد مؤلفه‌های فرهنگی و هویتی کتاب درسی زبان انگلیسی پایه اول متوسطه (هفتم)»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، س ۱۵، ش ۳.
- طاهرخانی، رضا و فاطمه متقی (۱۴۰۰)، «ارزیابی و نقد کتاب درسی زبان انگلیسی پایه هشتم، *Prospect 2* (پراسپکت ۲)، از لحاظ جنبه‌های فرهنگی»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، س ۲۱، پیاپی ۱۰.
- عالی، مرضیه، مرضیه دهقانی، و راحله حجی زواره‌ای (۱۳۹۵)، «تحلیل مقایسه‌ای هژمونی فرهنگی در برنامه درسی پنهان متون بین‌المللی آموزش زبان انگلیسی»، فصل‌نامه مطالعات برنامه درسی ایران، س ۱۱، پیاپی ۴۳.
- غیاثیان، مریم‌السادات، فرشته سراج، و مسعود بحرینی (۱۳۹۵)، «تحلیل محتوای کتاب زبان انگلیسی پایه نهم براساس فرهنگ و هویت ایرانی - اسلامی»، فصل‌نامه مطالعات برنامه درسی ایران، س ۱۱، پیاپی ۴۳.

ارزیابی فرهنگی یک مجموعه کتاب ... (غلامحسین شاهینی و مجتبی نظری) ۲۷۱

موسوی حسن‌آباد، سیدرضا (۱۳۹۷)، مقایسه نحوه نمایش عناصر فرهنگی در دو کتاب آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان با استفاده از چهارچوب لسی ۲۰۰۹، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، شیراز: دانشگاه شیراز.

میردهقان، مهین‌ناز و فرنوش طاهرلو (۱۳۹۱)، «تأثیر فرهنگ ایرانی در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، ادبیات پارسی معاصر»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، س ۱، ش ۲.

- Abdollahzadeh, E. and S. Baniasad (2010), "Ideologies in the Imported English Textbooks: EFL Learners and Teachers' Awareness and Attitudes", *English Language Teaching and Learning*, vol. 53, no. 217.
- Ahmadi Safa, M., M. Moradi, and R. Hamzavi (2015), "Iranian EFL Teachers and Learners' Perspective on Potentiality of *Top Notch* Series for Intercultural Competence Development", *Iranian Journal of Language Teaching Research*, vol. 3, no. 2.
- Ambady, N. and M. Weisbuch (2010), "Nonverbal Behavior", in: *Handbook of Social Psychology*, S. T. Fiske, D. T. Gilbert, and G. Lindzey (eds.), Hoboken: Wiley.
- Bahrami, N. (2015), "Evaluating the Representation of Cultural Elements in an In-Use EFL Textbook", *Australian International Academic Center*, vol. 6, no. 3.
- Barron, A. (2016), "Developing Pragmatic Competence Using EFL Textbooks: Focus on Requests", *Literary Information and Computer Education (LICEJ)*, vol. 7, no. 1.
- Brown, H. D. (1994), *Teaching by Principles: An Interactive Approach to Language Pedagogy*, New Jersey: Prentice Hall Regents.
- Brown, H. D. (2007), *Principle of Language Learning and Teaching*, 5th ed., USA, NY: Pearson Education.
- Buttjes, D. (1990), "Teaching Foreign Language and Culture: Social Impact and Political Significance", *Language Learning Journal*, vol. 2, no. 1.
- Byram, M. (2011), "Intercultural Citizenship from an International Perspective", *Journal of the NUS Teaching Academy*, vol. 7, no. 1.
- Cooper, T. (1999), "Processing of Idioms by L2 Learners of English", *TESOL Quarterly*, vol. 33, no. 2.
- Dweik, B. and S. Al-Sayyed (2015), "Analyzing the Cultural Content of Action Pack 12", *International Journal of English Language and Linguistics Research*, vol. 3, no. 2.
- Gómez Rodríguez, L. F. (2015), "The Cultural Content in EFL Textbooks and What Teachers Need to Do About it", *Profile Issues in Teachers' Professional Development*, vol. 17, no. 2.
- Hatoss, A. (2004), "A Model for Evaluating Textbooks", *Bable*, vol. 39, no. 2.
- Hermawan, B. and L. Noerkhasanah (2012), "Traces of Cultures in English Textbooks for Primary Education", *Conaplin Journal, Indonesian Journal of Applied Linguistics*, vol. 1, no. 2.

- Hon-Chan, C. (1971), *Planning Education for a Plural Society*, United Nations: Educational, Scientific and Cultural Organization, Belgium: Ceuterick, Louvain.
- Hurn, B. and B. Tomalin (2013), *Cross-Cultural Communication: Theory and Practice*, New York, London: McGraw Hill, Palgrave McMillan.
- Kramsch, C., A. Cain, and E. Murphy-Lejeune (1996), "Why Should Language Teachers Teach Culture?", *Language, Culture and Curriculum*, vol. 9, no. 1.
- Kumaravadivelu, B. (2008), *Cultural Globalization and Language Education*, New Haven, CT: Yale University Press.
- Lauring, Jakob (2011), "Intercultural Organizational Communication: The Social Organizing of Interaction in International Encounters", *International Journal of Business Communication*, vol. 48, no. 3.
- Liddicoat, A. J. et al. (2003), *Intercultural Language Learning*, Canberra: DEST.
- Lunda, A. (2006), "The Multiple Contexts of Online Language Teaching", *Language Teaching Research*, vol. 10, no. 2.
- Luo, J. (2014), "Using Popular Culture to Promote Learning in EFL Classrooms: A Case Study", *Social and Behavioral Sciences*, vol. 112.
- Maghsoudi, M. (2020), "Intercultural Communicative Competence in High School English Textbooks in Iran and India: A Comparative Analysis", *Iranian Journal of Comparative Education*, vol. 3, no. 4.
- Morgan, C. (1995), "Cultural Awareness and the National Curriculum", *Language Learning Journal*, vol. 12, no. 1.
- Rashidi, N. and H. Meihami (2016), "Hidden Curriculum: An Analysis of Cultural Content of the ELT Textbooks in Inner, Outer, and Expanding Circle Countries", *Cogent Education*, vol. 3, no. 1.
- Richards, J. C., J. T. Platt, and H. Platt (1992), *Language Teaching and Applied Linguistics*, second edition, Longman: London.
- Saslow, J. and A. Asher (2016), *Top Notch*, USA: Pearson.
- Shahini, G. and S. Meymandi (2017), "Cultural Components and Subcomponents in Two Persian and English Language Teaching Textbooks: A Comparative Study", *Journal of Teaching Language Skills (JTLS)*, vol. 36, no. 3.
- Shatnawi, A. (2009), *An Evaluation of the Cultural Aspects in "Mission 1" and Students' Attitudes Towards Them*, Unpublished Doctoral Dissertation, Yarmouk University, Irbid: Jordan.
- Trudgill, P. (1995), *Sociolinguistics: An Introduction to Language and Society*, London: Penguin Books.
- Weninger, C. and T. Kiss (2013), "Culture in English as a Foreign Language (EFL) Textbooks: A Semiotic Approach", *TESOL Quarterly*, vol. 47, no. 4.

ارزیابی فرهنگی یک مجموعه کتاب ... (غلام حسین شاهینی و مجتبی نظری) ۲۷۳

Xiao, J. (2010), *Cultural Content of an In-use EFL Textbook and English Major Students' Attitudes and Perceptions Towards Cultural Learning*, Unpublished Doctoral Dissertation, Prince of Songkora University, China.

Zarei, G. R. and M. Khalessi (2011), "Cultural Load in English Language Textbooks: An Analysis of Interchange Series", *Procedia Social and Behavioral Sciences*, vol. 15.

